

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

دوشنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۴ • ۱۰ جمادی الثانی ۱۴۴۷ • ۱ دسامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۶۸ • ۱۲ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۲۸ • طلوع آفتاب ۶:۵۶

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

طنزخوانی

مردم زندگی را

برای مسئولان دشوار کرده‌اند



آیدین سیار سereج

دهم آذر سال ۱۴۰۴ است. همچنان از آب و باران خبری نیست. باد هم یک مقدار چموشی می‌کند و با وجود اینکه ما این‌همه زحمت کشیده‌ایم که با ساختمان‌سازی جلوی جریان باد را بگیریم اما این عنصر فریب‌خورده و باری به‌هرجهت در روزهای اخیر مبادرت به وزیدن کرده و وضعیت قرمز آلودگی را از قرمز لوبویی به قرمز یواش تغییر داده است.

در این وضعیت آب و هوایی، یک سری جنجال هم درست شده که نشان می‌دهد این روزها، روزهای خوبی برای بازیگربودن نیست. طلا به مرز ۱۲ میلیون رسیده و کسی هم نیست لب مرز یک تیر بزند توی پای طلا و متوقفش کند. سفیدخطان ارجمند در توپیت هر روز بهانه‌ای برای افتادن به جان هم پیدا می‌کنند و از هر دو طیف می‌زند توی سر و کله هم. ما تا یک مدت به‌دلیل سادگی و صفای وجودمان ناراحت می‌شدیم اینها این‌قدر دعوا می‌کنند، بعدا فهمیدیم خودشان لذت می‌برند و در واقع دارند بازی می‌کنند.

آقای حسین انتظامی گفته «متأسفانه در حال برگشتن به تنظیمات کارخانه هستیم». ظاهرا آقای انتظامی هم مثل ما دچار این سو-تفاهم شده که یک ضلع این- وفاقی و وحدت که دائم مسئولان می‌گویند مردم هستند در حالی که ما اخیرا متوجه شد-ایم که الکی خودمان را انداخته‌ایم وسط، اصلا روی صحبت عزیزان با ما نبوده. ضلع که یک مقدار زیاد است ولی داریم رازی‌نی می‌کنیم که به عنوان وتر وحدت و وفاقی پذیرفته شویم.

رئیس مرکز اورژانس تهران هم گفته ۳۱ درصد تماس‌ها در هشت روز گذشته مرتبط با آلودگی هوا بوده و ۳۵۷ نفر جان باخته‌اند که آلودگی می‌تواند در ازدست‌رفتن جان این افراد تاثیر داشته باشد.

یادش بخیر. سعدی یک زمانی می‌گفت در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن/ من خود به چشم خوشتن دیدم که جانم می‌رود... یعنی آلودگی هوا آن‌قدر کم بوده که شاعر می‌توانست ببیند اینی که دارد می‌رود جانش است. اگر بخواییم با توجه به شرایط فعلی شعر را تصحیح کنیم، با رخصت از شیخ اجل می‌توان گفت: «در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن/ گم گشت جانم در مازوت. این چیست دارد می‌رود؟».

در همین راستا، تشکر هاشمی، عضو شورای شهر، گفته: «وقتی به سایت کنترل کیفیت هوا مراجعه می‌شود، سرورهای شرکت بسته می‌شود. علت آن را هم مراجعه زیاد مردم اعلام می‌کنند».

ملاحظه می‌فرمایید مردم چه آثار مخربی بر جامعه دارند. هم با استفاده از بنزین بی‌کیفیت و آلوده‌کردن هوا زندگی را برای مسئولان دشوار می‌کنند. هم هجوم می‌برند به سایت کنترل کیفیت هوا و سایت را از کار می‌اندازند. بعد هم خطاهای اورژانس را اشغال می‌کنند که ما داریم می‌میریم. به داد ما برسید. نمی‌گویند شاید کسی کار واجب داشته باشد.

همه اینها به کنار، وسط وفاق و وحدت مسئولان هم خودشان را می‌اندازند وسط و فرایند وحدت مسئولان را مختل می‌کنند. این‌طوری کارها پیش نمی‌رود. باید یک تجدیدنظری در مردم صورت بگیرد.

من پیشنهادم این است که در انتخابات بعدی، به جای اینکه مردم مسئولان را انتخاب کنند، مسئولان بروند پای صندوق و به مردم مناسب خودشان رای بدهند. یک مردم اصلاح انتخاب شود که ان‌شاء... در چهار سال بعدی شاهد این مشکلات نباشیم.

نگاهی به اخبار اقتصادی این روزها نشان می‌دهد که کشور آرایش جدیدی برای مواجهه‌ای جدید با موضوع سوخت و انرژی گرفته است.

سازمان بهینه‌سازی انرژی در موجودیتی نوین احیا و رئیس جدیدی برای آن انتخاب شده است. اولین همایش پیشگیری و مقابله با قاچاق فرآورده‌های نفتی در سطح ملی برگزار شده و تغییراتی هم در قیمت سوخت مایع در دست اقدام است. همچنین اولین محموله بنزین سوپر در بورس انرژی کشف قیمت شد. به طور کلی اگر ادعا شود که وضعیت کنونی مصرف انرژی یکی از سه چالش عمده تهدیدکننده کشور است، سخنی به گراف نیست. منظور از انرژی می‌تواند هم آب و برق باشد و هم انواع سوخت مایع و گاز طبیعی.

تاکنون هیچ دولتی یاری تغییر در وضعیت را نداشته و معذود کوشش‌ها منجر به آسیب‌ها و ناملایمات دردناک اجتماعی شده است. در مورد بنزین و گازوئیل اوضاع به صورت عجیبی در حیطه مسائل امنیتی فرو رفته است. اما در مورد بنزین چرا این وضعیت تاکنون تحمل می‌شده است؟ دو دلیل می‌توان سراغ گرفت:

- ابتدا اینکه مصرف‌کننده بی‌پناه ایرانی هرگز چاره‌ای جز انتخاب محصولات پرمصرف تولیدکننده‌های داخلی نداشته است. دولت نمی‌توانسته هم بنزین را گران کند و هم ماشین پرمصرف را اجبار کند.
- دلیل دوم اینکه دولت منابع لازم برای برگردن شکاف قیمتی را به هر ترفندی که توانسته تأمین کرده است.

●●●

اما اکنون اوضاع تغییر کرده است. دولت پولی برای این کار در بساط ندارد و استمرار وضعیت فعلی در شرایط کنونی مقذور نیست. همین الان

تجربه خوانی

روزهای اوج کووید ۱۹ در دنیاست. در نزدیکی شهر انتیه در اوگاندا، مشرف به دریاچه زیبای ویکتوریا، به اقامتگاهی به نام «خانه اکرا» رسیدیم. سر میز صبحانه با استاد دانشگاهی آشنا می‌شوم که در یکی از دانشگاه‌های آمریکا فلسفه تدریس می‌کند.

«بویید» به لطف کلاس‌های آنلاین، مدت‌هاست در سفر زندگی می‌کند! هر صبح در بالکن زیبای اکرا می‌شنیدم و رو به دریاچه ویکتوریا، فلسفه اخلاق درس می‌دهد؛ اما بگ‌گراند تصویرش را طوری تنظیم کرده که دانشجویانش در یک سال گذشته نفهمیده‌اند او در سفر است! دیوید عاشق کووید ۱۹ است؛ چراکه در طول شصت‌وچند سال زندگی‌اش، کووید بزرگ‌ترین فرصت را برای انجام کاری که همیشه آرزویش را داشته فراهم کرده است. جواب اینکه چرا ما مثل دیوید سفر نمی‌کنیم، برای بیشتر ما واضح و یک‌کلمه‌ای است: پول. اغلب ما وقتی سفر می‌کنیم، کار نمی‌کنیم؛ پس درآمدی نداریم. در عین حال، هزینه سفر معمولا از هزینه زندگی روزمره بیشتر است. به‌ویژه برای ما که در کشوری با ارزشی پایین‌تر از ارزش‌های جهانی زندگی می‌کنیم. اما دلایل دیگری هم برای سفرنکردن وجود دارد. مهم‌تر از همه این است که بپرسیم: اصلا چرا باید سفر کنیم؟

در دنیایی که همه دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها را می‌توان آنلاین دید و شنید، وقتی برای دانستن و فهمیدن نیاز کمتری به حرکت فیزیکی داریم، چه نیازی به سفر باقی می‌ماند؟ سفر به طبیعت آسیب می‌زند، با پروازها، ازدحام انسان‌ها و مصرف بی‌رویه منابع. گاهی سفر، به‌جای شناخت، به نمایش بدل می‌شود؛ عکسی می‌ماند و تجربه‌ای حسی از دست می‌رود. برخی سفر می‌کنند تا از خود بگیرزند، بی‌آنکه بدانند خود را نیز با خود می‌برند. شاید ماندن و سکوت، سفری عمیق‌تر باشد؛ جهان را می‌توان در خانه خود و با خویش هم کشف کرد، بی‌آنکه از خانه بیرون رفت. و دست‌آخر، چه نیازی هست رنج سفر را به جان بخریم، خانه گرم‌رهمان را ترک کنیم و آواره سرزمین‌های غریب شویم؟ باین‌حال، در دنیای امروز کسانی هستند که سفر را به سبک زندگی بدل کرده‌اند. «دیجیتال‌نومدها» نسل تازه‌ای از انسان‌ها هستند که کار و سفر را درهم آمیخته‌اند. دفترشان هر جایی است که اینترنت دارد و خانه‌شان هر جایی است که دلشان آرام می‌گیرد. میان کافه‌های بالی، کوه‌های گرجستان و خیابان‌های لیسبون کار می‌کنند و می‌نویسند و می‌سازند. برای آنها، سفر تعطیلات نیست، سبک زندگی است؛ راهی برای آزادی، شناخت و تجربه.



صبح روز یکشنبه ۹ آذرماه جمعی از اصحاب رسانه استان قم با حضور در منطقه طرلاب، از پروژه در حال ساخت فرودگاه بین‌المللی قم که سال‌ها به دلیل مشکلات قضائی و فنی متوقف شده بود، بازدید کردند. از آنجایی که استان قم تنها استان کشور است که فرودگاه ندارد، این تور رسانه به منظور گزارش فعالیت و جذب حمایت‌های ویژه برای تسریع در ساخت آن برگزار شد. فرودگاه قم در ۲۴ کیلومتری جنوب غربی شهر و در منطقه طرلاب و در نزدیکی منطقه اقتصادی سلفچگان واقع شده است. عکس: احمد ظهرابی، ایسا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

apararat:tasvirshargh

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

بهینه‌سازی؛ فراتر از آپاراتوس دولتی



پویا نعمت‌اللهی

روزنامه‌نگار

کسری بنزین معادل تولید یکی از پالایشگاه‌های کشور است. این یعنی برای سربه‌سرشدن میزان تولید و مصرف بنزین باید امسال یک پالایشگاه در حد و اندازه پالایشگاه آبادان وارد مدار شود. اما این فقط امسال است و سال آینده نیز مجددا لازم است پالایشگاه دیگری در همان اندازه آغاز به کار کند. پلیس در همایش ملی پیشگیری و مقابله با قاچاق فرآورده اعلام کرد که سالانه حدود ۵.۲ میلیارد دلار از منابع سوخت مایع کشور قاچاق می‌شود که چیزی حدود ۲۱ میلیون لیتر در روز است. رقم وزارت نفت هم به همین میزان بود (۲۰ میلیون لیتر). این قاچاق همان چیزی است که موجب تحمیل «واردات» شده است. در مجموع به نظر می‌رسد سمت‌وسویی که حاکمیت انتخاب کرده کاملا درست است. از یک سو بخش عرضه و از سوی دیگر بخش تقاضا را هدف گرفته است. در بخش تقاضا محوریت با بهینه‌سازی مصرف است اما این بهینه‌سازی تاکنون یک کنش تشریفاتی بوده است. مثلا اینکه متولی مشخصی نداشت و بخش‌هایی در دو وزارتخانه تولید انرژی (یعنی نفت و نیرو) مسئول رسیدگی به بهینه‌سازی بودند که البته به نتیجه نرسیدند؛ چراکه این دو وزارتخانه ماهیتا دغذغه

تجربه خوانی

چرا سفر نمی‌رویم؟



علی مرسلی

اما دیجیتال نومدها نخستین کسانی نیستند که سفر را شیوه زستن کرده‌اند. قرن‌ها پیش از آنها، کولی‌ها در سراسر جهان سبک زندگی در سفر را بنیان نهاده‌ند. کولی‌ها حدود هزار سال پیش از شمال هند به سوی ایران و اروپا مهاجرت کردند و در مسیر، مهارت‌هایی چون آهنگری، موسیقی و هنر را با خود آوردند.

آهنگری برایشان نه فقط شغل که نماد بقا و پایداری بود. با آتش و چکش، ابزار زندگی مردم را می‌ساختند و بسیاری از مردم، مهارتشان در کار با آتش را جادوگری می‌پنداشتند. اما سفر برای کولی‌ها فقط جابه‌جایی نبود؛ راهی بود برای آزادی و یافتن معنا در جهانی ناپایدار. آنان با کوچ از تبعیض می‌گریختند و در حرکت، زندگی‌شان را معنا می‌کردند. هنوز هم، هرچند بسیاری از آنها ساکن شده‌اند، روح سفر و صدای چکش و موسیقی‌شان در



چهار ایستگاه خانه اکرا، انتیه، اوگاندا

۳۰۰۰

کارگر

ایلنسا: معمولا شرکت‌های بزرگ فروش آنلاین در کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا و کانادا در روز موسوم به جمعه سیاه که در آن تخفیفات از سوی فروشندگان ارائه می‌شود، با فشار کار فوق‌العاده‌ای مواجه هستند که مطابق آن به کارگران این شرکت‌ها پرداخت صورت نمی‌گیرد و لاجرم همواره این روز آجستن اعتراضات و اعتصابات صنفی کارگران است. اتحادیه کارکنان اروپایی شرکت آمازون احتمال داد: حدود سه هزار کارگر و کارمند در انبارهای آمازون در این اعتصاب شرکت کرده باشند.

ایران خوانی

جانِ کلامِ وطن



محمدحسین لطفی

کارگردان

آینده این سرزمین را روشن می‌بینم؛ روزی که ایران دوباره بر بلندای جغرافیای جهان بدرخشد، اگر به نسل جوان اعتماد کنیم، میدان را به آنان بسپاریم و در مسیر مسئولیت‌پذیری همراهشان شویم.

بی‌تردید نجات و شکوفایی ایران بیش از هر چیز در گرو فرهنگ، عرق ملی و سرمایه اجتماعی است، نه صرفا حاکمیت.

ما میراث‌دار کاشته‌های نیاکانیم؛ اکنون نوبت ماست که بکاریم تا آیندگان برداشت کنند. این آینده‌سازی فقط زمانی ممکن است که آیین‌ها را از خرافه پالایش کنیم، ارزش‌های اصیل ایرانی را پیاس بداریم و زبان و فرهنگ خود را نگاه داریم.

وطن پیکری زنده است؛ حتی اگر بیمار باشد، باید درمانش کرد، نه رها. درمان ایران در گرو محبت، همدلی، و احساس مسئولیت جمعی است، امروز بیش از هر زمان دیگری کشور نه «طبیباتش» نیاز دارد و این طبیبان، به دولت و قدرت، بلکه من و تو، یعنی همه ما ایرانی‌ها هستیم.

در روزهای سخت جنگ، فرهنگ ایثار، صداقت و فداکاری به اوج رسید؛ اما پس از آن، برخی از همان قهرمانان گرفتار مناسبات تلخ دنیا شدند و جامعه نیز ناخواسته از آنان الگو گرفت. این‌گونه بود که کم‌کم برخی ارزش‌ها رنگ باخت و در برخی نقاط، فرهنگ عمومی به بیماری دچار شد: قانون‌گریزی عادی شد، رشوه‌خواری به رسم بدل شد و صداقت کیماب شد.

امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازسازی همان فرهنگ ایرانی راستین هستیم؛ فرهنگی برآمده از تاریخ بلند سلامت، جوانمردی، دلسوزی و اخودگذشتگی.

اگر این روح فرهنگی را احیا نکنیم، وطن در معرض خطر خواهد بود. وطن زخمی است و این ما هستیم که باید مرهمش شویم. نمی‌توان تنها تماشاگر بود؛ اکنون زمان در کنار وطن بودن، نه در قضاوت وطن نشستن است.

آفت من این است که ایران از هر امید و افراط پاک شود و به مدد خرد، دانش و همدلی نسل‌ها دوباره شفا یابد؛ زیرا ایمان دارم که این سرزمین هنوز توان برخاستن دارد، اگر ما به عنوان فرزندان، مسئولیت خویش را از یاد نبریم.

نارنجی‌خوانی

چندپیشنهاد

برای حمایت‌از زنان

این روزها در سراسر جهان قرار است برای بهبود شرایط زنان و علیه خشونت اینترنتی و آنلاین علیه آنان اقدام شود. پیشنهادهایی از سوی سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه داده شده که به برخی از آنان می‌پردازیم: دولت‌ها باید خشونت دیجیتال را جرم‌انگاری و حمایت از بازماندگان را تقویت کنند. شرکت‌های فناوری باید اطمینان حاصل کنند که پلتفرم‌های‌شان ایمن و پاسخ‌گو هستند. پایان‌دادن به این خشونت نه‌فقط موضوع سیاسی، بلکه مسئله‌ای مربوط به کرامت، برابری و حقوق بشر است. توانمندسازی زنان و دختران پیش‌نیاز صلح، توسعه و سلامت محسوب می‌شود. جهانی امن‌تر برای زنان، جهانی بهتر برای همه است. همچنین یونسکو تاکید دارد که با حمله به خبرنگاران زن، «حق دانستن از شهروندان» نیز گرفته می‌شود. یونسکو تاکید کرده که برای محافظت از خبرنگاران زن، دولت‌ها باید برای تقویت مهارت‌های برای پاسخ‌گویی و تضمین فضاهای دیجیتال امن‌تر برای همه تلاش کنند.

